

## ترویج سواد و اخلاق محیط زیستی رهیافتی ثمر بخش برای حفاظت از محیط زیست

اخلاق، به عنوان زاینده زندگی اجتماعی و لازمه استمرار آن در طول اعصار مختلف همزاد بشر بوده است. منشا هر چه که باشد، یک نیاز همیشه وجود اخلاق را الزامی کرده و آن میل به زندگی و استمرار آن است. از زمانی که زیست انسان ها در کنار هم، از حداقل قواعدی برخوردار بوده، اخلاق محیط زیست نیز معنا داشته است. با این حال، نیاز به امنیت و آرامش و عدم احساس نیاز به حفظ طبیعت، منجر به ایجاد اخلاق زیستی در معنای مضیق آن، یعنی منحصر به حیطه زیست انسان ها گردید.

از اوایل دهه ۱۹۶۰ بحران محیط زیست و اخلاق محیط زیستی مطرح شد و تا به حال ادامه دارد. به طوری که تقریباً هر اثر علمی درباره مسایل محیط زیستی بر اساس این پیش فرض آغاز می شود که جهان به یک بحران محیط زیستی بی سابقه مبتلا شده است. محتوای برخی از این آثار، گزارشی از هزاران مشکل زیست محیطی در سطح جهان است و در قدرت انسان هم نیست که آنها را رفع کند. بررسی های محیط زیستی، فاجعه ای را تایید می کرد که جامعه بشری را به سرعت به سوی بحران های پیچیده اجتماعی و اکولوژیک پیش می برد. جهان ما، بحران بنیادی را تجربه می کند، بحران در اقتصاد، محیط زیست و سیاست جهانی، فقدان دیدگاه کامل، انبوهی از مسائل حل نشده، فلج سیاسی، رهبران حقیر با بینش و آینده نگری ناچیز به طور کلی بی احساسی در برابر ملت ها همه جا دیده می شود، پاسخ های بسیار کهنه برای چالش های نوین.

تحول اخلاق محیط زیستی با منبای توسعه قلمرو و شفافیت مبانی، تنها در قرن های اخیر میسر شده است. احترام به حریم دیگران به عنوان نخستین جلوه اخلاق زیستی از زمان شکل گرفتن کوچکترین اجتماع زیستی ایجاد گردید و بعدها به عرصه محیط زیست و حیوانات نیز کشیده شد. در واقع، باز هم نیاز انسان ها است که تحول اخلاق زیستی را رقم زده و حیطه عمل آن را گسترش داده است. البته تغییر رویکرد نسبت به علوم از ضرورت و نیاز به دانایی، اخلاق محیط زیستی را نیز متأثر ساخته است.

استقلال وجودی طبیعت زنده در مطالعات بشر و تلاش برای اجرایی کردن مطالعات اخلاق زیستی از جمله نمودهای این تحول به شمار می آید. ارتباط میان علوم نیز از واقعیات زندگی معاصر است که اخلاق زیستی مجرد از آن نیست.

اخلاق زیستی ماهیتی غیر تجربی دارد. غیر تجربی بودن اخلاق زیستی، به مفهوم وابستگی آن به علوم انسانی بوده و به هیچ وجه نباید این پندار تقویت گردد که اخلاق زیستی، در تحلیل خود از مزایا و معایب اخلاقی پژوهش های علمی صورت گرفته و آثار علمی آنها، بی نیاز از تجربه می باشد. اخلاق محیط زیستی را می توان به پژوهش و عملکردی با ماهیت بین

رشته ای که هدف آن تنقیح و حل مسائل اخلاقی ناشی از معرفی و اجرای مطالعات پزشکی زیستی و زیست شناختی است، تعریف کرد.

اخلاق محیط زیستی، علاوه بر توصیفات عامه اخلاقی، خصوصیات منحصر به فردی دارد که از جمله آنها می توان به جهانی بودن مفاهیم، قدمت آنها، کاربردی و ضروری بودن و پیشرفته بودن آنها اشاره کرد. این مفاهیم تنها در صورتی قابل استفاده اند که در چارچوب خاصی تدوین شده و به صورت کدهای اخلاقی یا قواعد حقوقی مطرح شوند. عبارت محیط زیست به تنهایی دلالت بر محدود نبودن آن به کشور و یا منطقه معین دارد و همین امر خود مقتضی جهانی بودن اصول اخلاق زیستی است. در صورت تعریف و توجیه این اصول می توان از اتحاد جهانی اخلاقی در آینده نه چندان دور سخن گفت.

آینده زیست انسان ها و دیگر موجودات به واسطه نقشی که در حیات انسان دارند، از مهمترین دغدغه های بشریت است. تسلط کشورها بر منابع طبیعی و داشتن منافع استراتژیک مغایر با طبیعت، حداقل در سطح داخلی می تواند با مانع قانونی روبرو نباشد، زیرا دولت ها به عنوان واضح مقررات می توانند خود را از قید محدودیت ها برهانند و یا حتی با اقدامات مخفی، مانع از تحقق اهداف عهدنامه های بین المللی شوند. در این شرایط تنها چیزی که کارایی دارد، پای بندی عموم به اخلاق محیط زیستی و تحت فشار قرار دادن دولت یا شهروندان متخلف از سوی موسسات غیرانتفاعی داخلی و بین المللی است. به عنوان نکته بدیهی، اجبار به پای بندی به اخلاق زیستی از جمله منوط به تعریف اصول و موازین منسجم و استاندارد برای آن است.

اکنون جای طرح این پرسش است که آیا التزام به اصول اخلاق زیستی موجب بهبود اوضاع محیط زیستی میشود؛ یا تنها از بدتر شدن وضع جلوگیری می کند؟ اگر هدف اخلاق رسیدن به بهترین شرایط قابل تصور باشد، اصول اخلاق محیط زیستی نیز باید با همین هدف تفسیر شوند. بنابراین اصول مذکور بهبود وضعیت موجود را تضمین می کنند. یکی از اصول اخلاق زیستی عدالت است، البته باید آن را در جایی که زیست موجود غیر انسانی ارتباط می یابد، تعادل نامید. اگر مفهوم عدالت توزیعی پذیرفته شود که به موجب آن باید عدالت بر کارایی، و آزادی بر امتیازات اقتصادی و اجتماعی تفوق یابد، نتیجه اخلاقی که در حیطه زیستی می توان گرفت، آن است که همگان باید صرف نظر از نژاد، جنس و سن و ... از امکانات بهداشتی و درمانی بهره مند شوند. علاوه بر این، هر پژوهشی در زیست انسانی یا محیط زیست او باید به گونه ای انجام شود که منجر به ضرر برای انسان یا محیط اطراف او نشود.